

## بیانیه هیات موسسان سندیکاها

### کارگری در رابطه با مسائل مبرم کارگری

بیست یکم دی ماه هشتاد و شش

هیات موسسان...

#### کارگران شریف و آگاه در خبرها آمده بود

- ۱- ایران با اکثریت آرا به ریاست کمیته اشتغال و پیمان های دسته جمعی انتخاب شد. (روزنامه اطلاعات)
  - ۲- وزیرکار و علوم اجتماعی از اصلاح ۸ تا ۱۰ ماده از قانون کارخبرداد و قانون کار را قانون حمایتی دانست (روزنامه اعتماد و هفته نامه آتیه).
  - ۳- تعیین حداقل دستمزد منوط به تعیین نرخ بیکاری است. (هفته نامه آتیه)
- آنچه که طبقه کارگر ایران از آن رنج میبرد نداشتن سندیکاهاست مستقل کارگری است. این خواست بارها توسط هیات موسسان اعلام شده آخرین بار در نامه سرگشاده به وزیر کار به تاریخ ۸۶/۲/۱۰ از طرف فعالین سندیکائی خواسته شد و این تنها يك خواست نیست بلکه در برنامه چهارم توسعه ماده ۱۰۱ دولت موظف به عملیاتی کردن این ماده که همانا آزادی تشکلهای مستقل کارگری است و در رابطه با تعهد ایران و امضا مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ میباشد. اینکه ایران با اکثریت آرا به ریاست کمیته اشتغال و پیمان های دسته جمعی انتخاب شده است سئوالی را مطرح میکند و آن اینکه در نبود سندیکاها کارگری چه کسی میتواند این پیمانهای دسته جمعی را بمورد اجرا بگذارد آن چنان که حقی از طبقه کارگر ضایع نشود؟
- در سراسر جهان این سندیکاها کارگری هستند که با کارفرما پیمان دسته جمعی منعقد کرده و به آن نظارت میکنند. وزیرکار از اصلاح و تغییر ۸ تا ۱۰ ماده از قانون کار خبر داده و آنرا حمایت از طبقه کارگر عنوان کرده این ۱۰ ماده کدامند.
- ۱- محو کامل استخدام کامل و گسترده تر کردن قراردادهای موقت و روزمزد
  - ۲- زنده کردن ماده ۳۳ قانون کار قبلی و اخراج بیرویه کارگران با ماده ۲۷
  - ۳- نابودی صندوق بیمه بیکاری و سازمان تامین اجتماعی
  - ۴- برداشتن قانون از کارگاههای زیر ۱۰ نفر
  - ۵- مستثنی کردن مناطق ویژه تجاری از شمولیت قانون کار
  - ۶- دوگانه کردن دستمزد ها و یا پایین نگهداشتن حداقل دستمزد
  - ۷- نادیده گرفتن اصل ۲۶ قانون اساسی و حذف سندیکاها بعنوان تنها پناهگاه طبقه کارگر
- ما نیز به این نکته که قانون کار باید برای حمایت از کارگران باشد تاکید می کنیم ولی تجربه به ما ثابت کرده است که تازمانی که ضمانت اجرایی قوی برای این قانون وجود نداشته باشد هر قدر هم که قانون خوب نوشته شود مسلماً "در اجرا به مشکل برخورد خورد. در کشور ما یکصد سال مبارزات کارگران تحت لوای سندیکاها باعث دستاوردهای درخشان از جمله قانون کار در سال ۱۳۲۵ قانون تامین اجتماعی قراردادهای دست جمعی و طرح طبقه

بندی مشاغل بازنشستگی از جمله دستاوردهای طبقه کارگر و سندیکاهاست. جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۳ موافقت نامه راجهت آزاد گذاشتن تشکلهای سندیکای امضای نمود. از آنسال تا امروز برای کاربردهای جامع سازمان بین المللی کار شرکت کرده و حتی به ریاست کمیته های انتخاب میشوند اما از امضای تعهد نامه خودشانه خالی کرده و نه تنها به سندیکاها اجازه فعالیت نداده بلکه فعالین سندیکائی را احضار و زندانی می کنند.

پرسش ما این است که نماینده ایران در کمیته اشتغال و پیمان دسته جمعی چگونه میخواهند با سندیکاها در سراسر جهان گفتگو کرده و در امر پیشبرد مسئله پیمانهای دسته جمعی تجربیات خود را به آنها انتقال دهند.

آیا سندیکاهای کارگری از نماینده ایران نخواهند پرسید که چگونه شمائی که سندیکای شرکت واحد را بر نمی تابید امروز در اینجا میخواهید از پیمان های دسته جمعی صحبت کنید؟

بحث دیگری که امروز برای طبقه کارگر و بازنشستگان عزیز تامين اجتماعی مطرح است بحث تعیین دستمزدهاست که وزیر کار در هفته نامه آتیه آن را موقوف به تعیین نرخ بیکاری دانسته اند در قانون اساسی اصل ۴۳ بند ۱ و ۳ در ماده ۴۱ قانون کار بند ۱ و ۲ از مسئله تورم - زندگی شایسته و به اندازه ای که زندگی يك خانواده را تامين کند صحبت کرده و شاخص را برای تعیین حداقل دستمزد مشخص نموده اند در روزهای اخیر بازنشستگان لشگری و کشوری با ۳۰۰ هزار تومان و بازنشستگان تامين اجتماعی با ۲۰۰ هزار تومان مفتخر به مستمری سال آتی شده اند. اینکه آیا ۳۰۰ هزار تومان چقدر با خط فقر فاصله دارد خود بحث جداگانه ای است پرسش اینست که آیا بازنشستگان تامين اجتماعی از رزاق عمومی ارزانتری استفاده میکنند و یا سفره شان کوچکتر از دیگران است و یا اینکه خود کوچکتر از دیگرانند؟

در مورد حد اقل دستمزد اگر تنها به اجاره مسکن گوشت رزاق عمومی اشارهای داشته باشیم و درصد گرانی این چند قلم را در تعیین حداقل دستمزد منظور کنیم و برای يك زندگی شایسته و تامين کننده يك خانوار و "فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی و سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد" نمی توان به رقمی جز حداقل ۴۵۰ هزار تومان دست پیدا کرد. در مورد تعیین حداقل دستمزد سالهاست که مواد قانون اساسی نادیده گرفته شده بلکه حداقل دستمزد به معنای مبلغ پرداختی به کارگران نیز تلقی می شود. در صورتیکه حداقل دستمزد و مبنائی برای تعیین دستمزد باید قرار بگیرد نه خود دستمزد.

در زمان عقد پیمانهای دسته جمعی این سندیکاها هستند که در مورد دستمزد کارگران در هر واحد تولیدی با کارفرما به مذاکره می نشینند و تعیین کننده دستمزدها میباشند. مامعتقدیم که اگر وزارت کار میخواهد در پهنه بین المللی عرصه کار موفق باشد باید مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ را محترم شمرده و آنرا به مرحله اجرا بگذارد.

زمانی قانونکار میتواند نقش حمایتی داشته باشد که فصل ششم قانون کار با روح اصل ۲۶ قانون اساسی و مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ که جز با تشکیل سندیکاهای کارگری محقق نمی گردد نوشته شود. ۳- تعیین دستمزدها بر مبنای اصول قانون اساسی و نظارت دقیق سندیکاهای کارگری می تواند هر چه واقعی تر عادلانه تر تعیین شود.

هیات موسسان سندیکا های کارگری خواهان اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی و مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ و نگارش قانون کار و تعیین حداقل دستمزدها بانظارت سندیکاهای کارگری است. هیات موسسان سندیکا های کارگری - ۲۰/۱۰/۸۶